



دانشنامه‌های فرهنگ و تمدن کیان

جشن‌ها و آیین‌های مردم گیلان (۱)

(آیین‌های نوروزی)

محمد بشرا طاهر طاهری

www.ketab.ir
Email: nasr@ketab.ir
www.ketab.ir

سرشناسنامه	: بشراء محمد
عنوان و پدیدآور	: جشن‌ها و آیین‌های مردم گیلان (آیین‌ها و روزه‌ها) / محمد بشراء، طاهر طاهری.
مشخصات نشر	: رشت: فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.
فروست	: دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان: ۴.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۳۵-۰۰-۲
موضوع	: نوروز.
موضوع	: گیلان.
رده‌بندی کنگره	: ۸۳ ی ج. ۲۴ / د ۲۰۴۹ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۲۳
شماره کتاب‌خانه ملی	: ۳۲۰۶۰ - ۸۵ م.

دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان - ۴



- جشن‌ها و آیین‌های مردم گیلان ۱ (آیین‌های نوروزی)
- محمد بشرا • طاهر طاهری
- سرپرست مجموعه: فرامرز طالبی • ویراستار: علی نصرتی سیاهمنی
- چاپ سوم: ۱۳۹۸ • شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه • شماره نشر: ۹۶
- آماده‌سازی و نسخه‌پردازی: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا
- استفاده پژوهشی از این اثر با ذکر مأخذ آزاد است.
هرگونه استفاده تجاری از این اثر، به هر شکل، بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۲۵-۰۰-۲
- نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشته خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۳۹
- تلفن: ۳۳۳۴۴۷۲۳ ۳۳۳۴۴۷۲۲ ۰۱۳-۳۳۳۴۴۷۲۲ • دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸-۰۱۳
- Email: nashreilia@yahoo.com
- پست الکترونیکی: www.artguilan.ir, www.farhangeilia.ir
- سایت‌های اطلاع‌رسانی:

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار
۱۲	پیشینه‌ی نوروز
۱۹	آیین‌های پیش‌نوروزی
۱۹	درآمد
۲۱	رسم بهی
۲۳	آتش‌زنان
۲۴	مطر و دو ماه
۲۵	نوروز و خونی
۳۷	رابجره
۵۴	آیین‌نمایشی عروسه‌کشی
۶۶	چهارشنبه‌سوری
۹۵	آیین‌های نوروزی
۹۵	درآمد
۹۶	حلوها و شیرینی‌های نوروزی
۹۸	نان‌های نوروزی
۹۹	آجیل نوروزی
۱۰۰	سفره‌ی نوروزی
۱۰۳	آداب لحظه‌ی تحویل سال
۱۱۰	دیدارهای نوروزی
۱۱۶	سیزده‌به‌در
۱۲۲	کتاب‌نامه
۱۲۵	نمایه
۱۳۷	عکس
۱۴۱	چکیده‌ی انگلیسی

پیش‌گفتار

در آغاز قرن بیستم، امیل دورکم، جامعه‌شناس فرانسوی، جشن‌ها و جشنواره‌ها را جوششی که شدت آن، گروه و قوم را هم‌چون سیمانی به هم پیوند می‌زند، تعریف کرد. جشن‌ها نمایانگر مناسبات و پیوندهای نامرئی انسان است و قوانین طبیعت است و پیوندهای اعضای جامعه را حفظ، تقویت، بازسازی و تجدید می‌کند. سرجیمز فریزر در همان قرن، جشن‌ها و جشنواره‌ها را آیینی می‌دانست که نظام‌های بزرگ، اعتقادات و اساطیر را بازسازی می‌کند (دو وینیو: ص ۱۱).

گی دولوری جشن‌ها را به‌ی‌ره‌گاہایی می‌داند که همه‌ی ارتعاشات جهان با آوایی آکنده از معنا در آن‌ها متمرکز شده‌اند (دولوری: ص ۱۶).
آندره برتون اعتقاد داشت لذت و لذتی که از این جشن‌ها و جشنواره‌ها نصیب انسان می‌شود، لذتی بی‌نهایت نامحدود است (دو وینیو: ص ۱۵).
آیین‌ها و مراسمی که تجدیدی و ادواری هستند، فرهنگ قومی را احیا می‌کنند و سبب هم‌بستگی، انسجام و تحکیم و تقویت فرهنگ و هویت قومی می‌شوند (عسکری خانقاه: ۱۳۷۸، ص ۴۸۴). در این آیین‌ها با زمان یک امر اسطوره‌ای و فرهنگی یا یک واقعه و حادثه‌ی تاریخی در یک روز از سال تجدید و بازسازی می‌شود. برگزاری این آیین‌های جمعی پیوسته روح جامعه را تقویت و هم‌بستگی گروهی را تحکیم می‌کند.

یکی از مشخصه‌های همه‌ی اقوام و جوامع بشری، برپایی جشن‌ها و آیین‌هاست. قدیمی‌ترین جشن‌های باستانی بر اساس اطلاعات در

دسترس، جشن‌های سال اوستایی کهن است.

سال اوستایی کهن، تقسیم و آغازش بر بنیاد رویدادهای جامعه‌ی کشاورزی بود؛ شش جشن فصلی (گاهنبار) که پنج روز ادامه می‌یافت و در بنجمین و آخرین روز جشن بزرگ برگزار می‌شد (رضی: ۱۳۸۴، ص ۵۷).

جشن به معنی مجلس شادمانی و ضیافت از واژه‌ی یسن یا یسنه‌ی اوستایی و یزش پهلوی به معنی عبادت و پرستش است. در دوران باستان جشن با و آیین‌ها رنگ و جنبه‌ی دینی داشتند و در آن‌ها عبادت و نیایش می‌کردند. به نظر ریم آیین‌ها «نقشی برتر در همه‌ی ادیان ایفا می‌کنند، از آن رو که جامعه‌ی نه تنها اعمال نفوذ کند مگر در جریان عمل، و عمل سر نمی‌گیرد مگر آن که سرادی به جامعه را تشکیل می‌دهند گرد هم جمع شوند و به اشتراک عمل کنند». او باستان‌پار داشت که «تأثیر آیین در این است که به طور ادواری موجودی اخلاقی را از آن بیافریند که ما به آن متکی هستیم، چنان که آن نیز به ما اتکا دارد» (کالینکومر: صص ۲۵۲-۲۵۵).

ایرانیان در دوران باستان به خدایان و قربانان متعددی اعتقاد داشتند که بسیاری از آن‌ها به طور مستقیم یا با تغییرات و انطباق‌ها به آیین زرتشت شدند. شناخت ما از این اساطیر از روایات هندی و زرتشتی است. جلوه‌گاه اساطیر در اعتقادات و باورها، افسانه‌ها و جشن‌ها و آیین‌هاست و هم‌اکنون نیز نشانه‌هایی از برخی اسطوره‌ها در بخشی از فرهنگ عامیانه و جشن‌های باستانی این سرزمین که انعکاس‌دهنده‌ی فرهنگ دوران کهن ایران است، وجود دارد. البته گاه شباهت بعضی از اسطوره‌ها با آنچه از فرهنگ کهن باز مانده، با توجه به گذشت زمان و تغییرات صوری و ماهوی آن‌ها مشکل است.

از بین اساطیر، چند اسطوره در زندگی روزمره و فرهنگ مردم دارای

حضور ی چشم‌گیرتر هستند؛ اسطوره‌هایی در ارتباط با آب، گیاه، باران و آتش. در دین اسلام آب، گیاه و باران هم‌چنان حرمت بسیاری دارند و از برکت‌ها و نعمت‌های الهی به حساب می‌آیند، ولی آتش برخلاف آنچه در دین زرتشت آمده که پسر اهورامزداست، در اسلام، جزای بدکاران، کافران و مرتدان است. اسطوره‌ها اگر مخالف ارزش‌ها و آموزه‌های دین اسلام نباشد با همان حرمت و کارکرد در فرهنگ عامیانه و جشن‌ها و آیین‌های ملی و باستانی پدیدار می‌شوند، وگرنه برای عرضه شدن تغییر ماهیت و ارزش می‌دهند، مثل آتش که در مراسم و آیین‌ها دیگر یک عنصر مقدس به حساب نمی‌آید و مردم در چهارشنبه‌سوری زردی، درد و بلای خویش‌تر را به آن حریق می‌کنند و برخی حتی مراسم را به واقعه‌ای تاریخی در اسلام نسبت می‌دهند.

اسطوره‌ها، جشن‌ها و آیین‌های ایران باستان، در گیلان متأثر از اوضاع طبیعی، جغرافیایی، تاریخی و معیشتی این سرزمین‌اند و برای ماندگاری از لحاظ ساختار، نوع روایت و حتی باورهای عامیانه دگرگونی‌ها و تغییراتی را پذیرفته‌اند. از جشن‌ها و آیین‌های کهن گیلان تعدادی در سراسر ایران و تعدادی هم مثل عروس گولی (arusə guley)، شال‌اندازی و راب‌چره (rābər čərə) در مناطق خاصی برگزار می‌شوند. مراسم پیش‌نوروزی عروسه گولی، نمایش آیینی ویژه ی گیلان و مازندران است، اگرچه از نظر ساختار و کارکردها شباهت بسیاری با نمایش کوسا گیلن (kosā gilīn) در اردبیل و آذربایجان دارد. بر پایه‌ی اطلاعات پراکنده، مراسم شال‌اندازی در مناطق کوهستانی گیلان، مازندران، کرمانشاه و کردستان انجام می‌شد. از نمایش «راب‌چره» در مناطق کوهستانی شرق گیلان که اقتصاد مبتنی بر دامداری داشتند، اطلاعات

چندانی نداریم. از این رو، تعیین حوزه‌ی فرهنگی دقیق این جشن‌ها و آیین‌ها مستلزم داشتن اطلاعات وسیع‌تری است.

محمود روح‌الامینی، مردم‌شناس نام‌آشنای ایران، نقش‌ها و بزرگی‌های همگون بسیاری از جشن‌های جامعه‌های سنتی و کهن را با بهره‌گیری از نظر مردم‌شناسان در کتاب «جشن‌ها و آیین‌های کهن در ایران امروز» نوشته که خلاصه‌ی آن چنین است:

۱. زیاد روی همه‌ی زمینه‌ها، خوردن، آشامیدن، خندیدن و...
۲. به بازی گرفتن و، سخره کردن قدرت و حکومت، تظاهر به سرکشی و نافرمانی و وار نه بلوه، دن روابط اجتماعی و سیاسی؛
۳. خلاف عادت عمل کردن، زیاد و کم و دگرگون شدن عادت‌ها در زمان برگزاری جشن‌ها؛
۴. قربانی کردن و خوردن گوشت قربانی در بسیاری از جشن‌ها (صص ۱۰-۱۳).

پیشینه‌ی نوروز

بیش‌تر آیین‌های باستانی و زرتشتی که جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ ایرانی دارند، ریشه در اساطیرگاه‌شماری دارند. این آیین‌ها در سراسر سال، ابتدای فصل و یا روزهای هر ماه برگزار می‌شدند و بنا بر وضعیت ماه‌شماری و تقویم‌های هر دوره‌ی تاریخی، بر تعدادشان افزوده و کاسته شده است.

در دوران باستان، زمان به دو گونه‌ی مقدس و نامقدس تقسیم می‌شد. زمانی که مربوط به امور و شعایر دینی بود، مقدس و زمانی که صرف امور روزمره و عادی می‌شد، نامقدس بود. زمان مقدس گونه‌های مختلف داشت: زمان برآوردن شعایر مذهبی، زمان بازسازی صحنه‌ها و وقایع آغاز خلقت، زمان‌های دور که توسط خدایان و قهرمانان انجام یافته بود و

بالاخره زمان یادآوری چرخه‌های کیهانی.

تقدس زمان‌های کیهانی و طبیعی به سبب جنبه‌ی فیزیکی پدیده‌های طبیعی و کیهانی نبود. انسان خود را با کیفیات جهان می‌سنجید و آنچه او را به ستایش و نیایش پدیده‌های طبیعی و کیهانی وا می‌داشت، روح و جان جهان بود. تولد، بازایی و نوشدن زندگی گیاهان امری اساسی در جهان گیاهان بود، نه فقط سبز شدن دانه‌ها و گیاهان، و نیز امر اساسی مرگ گیاه بود، نه پشردن آن (بهار: صص ۲۰۹ - ۲۱۰)، اما برگزاری جشن‌های مربوط به زمان مقدس، چرخه‌ی رلی و ابدی به شمار می‌آمدند و دارای ماهیتی فصلی بودند. برگزاری جشن‌ها و مناسب این جشن‌ها، انسان را قادر می‌ساخت تا زمان نامقدس گذشته را به زمان مقدس برگرداند و از سر نو آغاز می‌کرد. (همان: صص ۲۱۰ - ۲۱۱). این نوشدگی با شروع سال نو و هنگام آغاز دور جدید زمان صورت می‌پذیرد، اما تازه شدنی (renovatio) که آیین حلول سال نو متحقق می‌سازد، در اصل تجدید و تکرار تکوین عالم است. هر سال نو، خلقت را تجدید می‌کند و از سر می‌گیرد. این اساطیر آیین کیهان به یاد مردمان می‌آورند که چه‌گونه کیهان و نیز هرچه بعد از پیدایش آن روی می‌داد، پدید آمده‌اند (الیاده: ص ۴۹).

تقویم شمسی با تقسیم سال به دوازده ماه سی روزه به اضافه‌ی پنج روز اندرگاه یا خمسه‌ی مسترقه، مقارن پادشاهی خشایارشا مبنای سال جدید زرتشتی شد. قبل از آن یک سال اوستایی کهن وجود داشت که مبنای تقسیم و آغازش رویدادهای جامعه‌ی کشاورزی بود. مشخصه‌ی این سال اوستایی، شش گاهنبار (جشن) است که جشن‌های فصلی بودند (رضی: ۱۳۸۴ صص ۵۶ - ۵۷). احتمالاً جشن سال آغاز بهار، از زمان

خشایار شاه، از شرق به غرب ایران راه یافته است. در اواخر دوران ساسانیان، شواهدی درباره‌ی این جشن در ترجمه‌های مورخان اسلامی از نوشته‌های پهلوی و متن‌های متأخر پهلوی پس از اسلام تا سده‌ی چهارم ه‍.ق وجود دارد، به ویژه در آثار مکتوب پازند از مزدیسنان درباره‌ی نه‌روزه اهمیت مراسم آن. البته چنین سنت شگرفی که پر دامنه و سرشار از ارزش فرهنگی و اجتماعی است، نمی‌تواند از نوآوری‌ها و ابداعات دوره‌ی ساسانیان باشد و بی‌گمان در تاریخ ملی قوم متمدن و با فرهنگی غنی‌ای چون ایران، دارای سوابق ممتدی است (همان: ص ۲۷).

ایرانیان، نوروز، رنگین جشن ملی، جشن طبیعت، تجدید حیات و باروری و بالندگی را از زمان پسران کهن آن‌چنان گرامی داشتند که پیدایی آن را به قهرمانان، پادشاهان، پورای و بزرگان دینی منسوب می‌کردند. ابوریحان بیرونی و حکیم عمر حیاة نوروز را به جمشید نسبت داده‌اند.

ابوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیه آورده است: «چون جمشید برای خود گردونه ساخت، در این روز بر آن سوار شد و چون شیاطین او را در هوا حمل کردند و به یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم بابل دیدن این امر در شگفت شدند و این روز را عید گرفتند و برای آن روز در تابستان می‌شینند و تاب می‌خورند» (ص ۳۲۷).

حکیم خیام در کتاب نوروزنامه نوشته است: «سبب نهادن نوروز آن بوده است که آفتاب را دو دور بود، یکی آن که می‌بصد و شصت و پنج شبان روز و ربعی از شبانه روز به اول دقیقه حمل باز آمد و به همان روز که رفته بود، بدین دقیقه نتواند از آمدن، چه هر سال از مدت همی کم شود؛ و چون جمشید آن روز دریافت [آن را] نوروز نام نهاد و جشن و آیین آورد و پس از آن پادشاهان دیگر مردمان بدو اقتدا کردند» (ص ۱۴).

پیش از سقوط دولت ساسانی، نوروز چون بسیاری از جلوه‌های دینی و فرهنگی تمدن ایرانی در سرزمین‌های عربی زبان ایران شناخته شده بود. این آیین پس از ساسانیان نیز میان مسلمانان و کشورهای اسلامی بیش از پیش رواج یافت. ایرانیان مسلمانان، روایت‌ها و حدیث‌هایی از زبان امامان شیعه درباره‌ی نوروز نقل کرده‌اند و این خود سبب گسترش بیش‌تر نوروز در اسلام شده است؛ تقارن نوروز با آفرینش حضرت آدم، فرود آمدن کشتی نوح بر کوه جودی، بعثت پیامبر اسلام (ص)، شکستن بت‌ها به دست حضرت ابراهیم، برگزیده شدن حضرت علی بن ابی طالب (ع) به جانشینی پیامبر اسلام (عید غدیر خم)، به خلافت رسیدن علی (ع) پس از عثمان بن عفان و پیروی این‌ها بر مردم نهروان، ظهور امام قائم حضرت مهدی موعود (عج) و تولد ائمه اهل بیت و وحی بر پیامبر اسلام و... (رضی: ۱۳۸۴، صص ۲۲۲-۲۲۶).

بدین گونه، نوروز، جایگاه خود را پس از چیرگی اسلام بر ایران حفظ کرد، باشکوه و سرافراز ماند تا به ما رسید. نوروز دارای کارکردهای ویژه‌ای چون ایجاد همبستگی اجتماعی و ملی، امید به فردایی بهتر و برتر در سایه‌ی کار و کوشش، رغبت و تشویق انسان به دگرگونی و تحوّل درونی و بیرونی و باور به آفرینش در زندگی فردی و اجتماعی است. همه‌ی ادیان، مذاهب و فرهنگ‌ها نوروز توجه دارند. نوروز در دنیای صنعتی و پیچیده‌ی امروزی، ضمن افزایش خودباوری انسان‌ها را متوجه‌ی هویت فرهنگی و پشته‌های اساطیری و تاریخی مشترک می‌کند.